

دریچه



عبور از مرز قالب‌ها

مجموعه انیمیشن. پس از این که جهان «با بابام» ساخته و مجموعه انیمیشن نیز تولید شد، به نظر رسید که همه این داستان‌ها قابلیت این را دارند که تبدیل به کتاب شوند. به این ترتیب کتاب جهان قصه‌های با بابام منتشر شد. برای مخاطب خردسال این اتفاق، واقعه‌ای خوشایند است که هم می‌تواند کتابی را به نحو استاتیک (غیرپویا و ثابت) بخواند و به نحو دینامیک (پویا و متحرک) آن را مشاهده کند؛ یعنی هم بخواند و هم ببیند. این گونه بود که قصه‌های با بابام شکل گرفت.

رویاها
را زندگی می‌کنم

۱۲

عبدی از تئاتر و از سال ۱۳۹۹ وارد دنیای صدپیشگی عروسک شده است و به واسطه ماهیت نمایش، دستی هم در عروسک‌گردانی دارد. او تا قبل از این کارهای بسیاری در حوزه صدا انجام داده است؛ از جمله ساختن پادکست‌های دنباله‌دار و کتاب صوتی و دوبلاژ. این صدپیشه عروسک عنوان کرد: من در حال حاضر رویاها را زندگی می‌کنم. از زمان کودکی وقتی به ذهنم هم نمی‌رسید روزی در حوزه هنر فعالیت داشته باشم، با عروسک‌های دستکشی که داشتم رویه‌روی آینه می‌ایستادم و برای خودم برنامه اجرا می‌کردم. از ته قلب خوشحالم که این فرصت برای من فراهم شد تا بتوانم در دنیای جادویی و عروسکی بچه‌ها حضور داشته و به سهم خود کاری کرده باشم. این صدپیشه جوان در انتها افزود: در برنامه با بابام چیزی که باعث دیده شدن و استقبال بی‌نظیر بچه‌ها و خانواده‌هایشان شده، ارتباطی است که باید بین عروسک و بازیگر شکل می‌گرفت که به بهترین شکل ممکن انجام شده است. من از اعماق قلبم می‌گویم که اگر آقای امیر سهیلی نبودند، بعید بود اقبال برنامه اینچنین می‌شد. انرژی که در کار گذاشتند و راهنمایی‌هایی که در حین کار به من می‌کردند و تعاملی که داشتیم بسیار کارآمد بود. احساس می‌کنم همین امر باعث شد که با بابام امروز این قدر شیرین و باورپذیر باشد.

کتاب



برشی از قصه

حالا که از این برنامه گفتیم، خوب است اندکی هم در دنیای کودکان و شیرین کتاب آن غرق شویم. در کتاب باغ بستنی از مجموعه جهان قصه‌های با بابام می‌خوانیم: «با بابام رفتیم بستنی بخوریم. با هم تو خیابون رفتیم تا رسیدیم به مغازه. رفتیم تو و سلام کردیم. توی مغازه چندتا یخچال دیدم که یکی پهن بود، یکی بلند... یکی درش از بالا باز می‌شد که قد من نمی‌رسید، اون یکی درش از جلو باز می‌شد که زور من بهش نمی‌رسید. من وایسادم جلوی یکی شون که از همه بزرگ‌تر بود و به شیشه بزرگ داشت. توش همه جور بستنی بود: بستنی قیفی و بستنی چوبی رنگی‌رنگی، بستنی سنتی زعفرانی باتیکه‌های بزرگ خامه و پسته، فالوده، کیک بستنی... و به عالمه بستنی میوه‌ای گردگری...»

ناظرکاران مجموعه برنامه «با بابام» در آستانه روز پدر

قصه‌های من و بابام

استان‌های کتاب «با بابام» طراحی شده است

نگاه به خانواده
با فرمت جدید

۱۰

اکرم عبدی، صدپیشه عروسک، نقطه نظراتش را در مورد مجموعه اینچنین بیان کرد: اولین بار که با کتاب با بابام مواجه شدم روز اول ضبط برنامه بود. برای من بسیار جالب بود، به این خاطر که چیزی که این کتاب یا برنامه را از همه کارهایی که در حوزه کودک در حال انجام است متمایز می‌کند، همین درونمایه متفاوتش است. این که با یک فرمت جدید به روابط خانواده نگاه می‌کند.

روایت مهجور
پدرفرزندی

۱۱

به گفته عبدی تا قبل از این، همیشه عروسک‌ها با مادرهایشان یا نهایتاً با پدر بزرگ و مادر بزرگ‌هایشان در یک قاب دیده می‌شدند. وی ادامه می‌دهد: این که الان یک عروسک در کنار پدرش حضور دارد بسیار موضوع جالبی است. از این بابت که امروزه خیلی پدرهای تنها داریم که به علت جدایی یا مرگ مادر، با بچه‌هایشان تنها زندگی می‌کنند. این موضوع به نظر من نیاز به فرهنگ‌سازی و توجه دارد. چرا که ارتباط بچه‌ها با پدرها همیشه مهجور مانده و کمتر به آن پرداخته شده است.

جان بخشی به
عروسک‌ها

۸

این عروسک‌گردان پیشکسوت درباره ارتباطش با عروسک‌ها ادامه داد: من سال‌هاست به عروسک‌ها جان می‌دهم. واقعا با آنها زندگی می‌کنم و همه سعی‌ام بر این است که کارهایم باهم متفاوت باشند. در این برنامه سعی کردم عروسک ظرافتی در اجرائش داشته باشد که بتوانم دختر بچه را بهتر به تصویر بکشم. البته برای باور پذیر شدن آن، اکرم عبدی به عنوان صدپیشه بسیار کمک کرد و با زیبایی هرچه تمام‌تر این کار را اجرا کرد. گاهی بداهه‌هایی می‌گفت، من عکس العمل نشان می‌دادم یا وقتی من حرکاتی می‌کردم بر مبنای آن بداهه می‌گفت. همین تعامل‌ها به هرچه باورپذیرتر شدن این شخصیت کمک کرد. برای من از هر چیزی جالب‌تر این است که بازیگران مقابل عروسک، باور کنند که عروسک زنده است.

ملقات با استاد

۹

افشاری در حین گفت‌وگو خاطراتی از گذشته را نیز یادآوری کرد و افزود: دهه ۸۰ زمانی در کانون پرورش فکری کار تئاتر انجام می‌دادم. در آن دوران استادی به نام عادل بزوده داشتیم که کارگردان تئاتر بودند. من باورم نمی‌شد که ایشان عروسک‌گردان مخمل در خانه مادر بزرگ هستند یا وقتی برای اولین بار خانم فنی زاده را دیدم، باور نکردنی بود که عروسک کلاه قرمزی را ایشان می‌گرداندند. چرا که عروسک‌گردان‌ها همیشه پایین هستند و کسی آنها را نمی‌بیند. این قشر برایم قابل احترام هستند. از ایشان بابت علاقه‌ای که در من برای حضور در این حرفه به وجود آوردند، تشکر می‌کنم. مخصوصاً از کسی که اولین بار عروسک را دست من داد یعنی خانم آفرین سمنانی همیشه ممنونم. از این بابت بسیار خوشحالم که در زمینه هنر قدم برداشتم و هرگز پشیمان نشده‌ام و نخواهم شد. همچنین از خانواده خود، همسر و فرزندانم تشکر و قدردانی می‌کنم که در این مسیر همواره مشوق و حامی‌ام بوده‌اند.